

بررسی تحلیلی ارتباط انکار واقع‌نمایی اخبارهای قرآن با نقش تربیتی‌هدایتی آن

چکیده

مهم‌ترین نقش قرآن کریم، نقش تربیتی‌هدایتی آن است، که از طریق مضامین و شیوه‌های تربیتی ایفا می‌شود؛ و می‌تواند از برخی از ویژگی‌های زبان‌شناختی قرآن تأثیر بپذیرد. هدف از این نوشتار کشف تأثیر حاصل در تربیتی‌هدایتی قرآن در صورت انکار واقع‌نمایی اخبارهای آن است. برای نیل به این هدف، تأثیر انکار واقع‌نمایی اخبارهای قرآن بر شیوه‌ها و مضامین اصلی تربیتی آن بررسی می‌شود. از سویی مهم‌ترین شیوه‌های تربیتی قرآن عبارتند از: الگودهی، تذکر، انذار، تبشیر، بیان حکمت و علت عواقب نامطلوب، تمثیل، بیان داستان، نصیحت، و موعظه. از دیگر سو، از حیث زبان‌شناختی، در ردّ واقع‌نمایی زبان قرآن، انکارها و تفصیل‌های مختلفی مطرح است. روش کار در این مقاله چنین است، پس از تفکیک دیدگاه‌های مهم قائل به واقع‌نامایی قرآن، روش‌ها و مضامین اصلی تربیتی قرآن استخراج، و سپس تأثیر هریک از آن دیدگاه‌ها بر شیوه‌ها و مضامین مرتبط به‌صورت مجزا بررسی می‌گردد. نتایج حاصل از تحلیل ارتباط چهار دیدگاه منکر واقع‌نمایی اخبارهای قرآن، با تک‌تک مضامین و شیوه‌های تربیتی مرتبط با واقع‌نمایی چنین است که با نفی واقع‌نمایی اخبارهای قرآن، نقش تربیتی‌هدایتی آن در تمام این مضامین و شیوه‌های تربیتی‌هدایتی خنثی می‌شود.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۸/۷

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۳/۲۲

از صفحه ۱۴۵ تا صفحه ۱۶۳

محمدرضامین

استادیار و عضو هیئت علمی گروه تفسیر

و علوم قرآن، مؤسسه آموزشی و پژوهشی

امام خمینی^(ع)

mr.amin451@iki.ac.ir

واژگان کلیدی:

اخبارهای قرآن، تربیت، هدایت،

واقع‌نمایی

نقش مهم قرآن، نقش تربیتی‌هدایتی است که اخیراً ذیل عنوان «تربیتی»، بیشتر مورد توجه مستقیم بوده و حتی در عرصه فقه، رویکرد «فقه التریبه» درحال شکوفایی است. در این نوشتار، مراد از «نقش تربیتی»، نقشی است مرتبط با تربیت اصطلاحی، که در زمینه تعلیم و انتقال معارف دینی معمولاً ارشاد یا هدایت نام می‌گیرد. از این رو از تعبیر «تربیتی‌هدایتی» نیز استفاده می‌کنیم. مراد از واقع‌هایی نیز اخبار واقع توأم با قصد است، که خواهد آمد.

آثار و رویکردهای تربیتی، همانند غالب رویکردها و آثار تفسیری و قرآنی، عمدتاً با این پیش‌فرض شیوه‌ها و معارف تربیتی قرآن را استخراج می‌کنند که چارچوب اصلی زبان قرآن، بر اصول عقلایی محاوره مبتنی است (نک. بابایی، عزیزی‌کیا، و روحانی راد، ۱۳۷۹، ص ۱۱۰). پس، در فهم و تفسیر قرآن تابع ادبیات عرب و اصول عقلایی محاوره هستند. اما طرح برخی از دیدگاه‌های نوپدید در باب زبان دین یا زبان قرآن، با کارکرد و نقش تربیتی قرآن مرتبط می‌شود. به گونه‌ای که این تردید بروز می‌کند که پذیرش یا انکار واقع‌هایی اخبارهای قرآن، ممکن است بر کارکرد و نقش تربیتی قرآن تأثیر بگذارد. از این رو سؤال محوری این مقاله چنین است که «ارتباط و تأثیر انکار واقع‌هایی اخبارهای قرآن، بر نقش تربیتی‌هدایتی آن چیست؟».

ضرورت این موضوع ناشی از لزوم تربیت جامعه اسلامی براساس قرآن و وجود نقش تربیتی در قرآن، به‌منزله منشور زندگی الهی و سنگ بنای معارف اسلامی است. همچنین، یافت نشدن پژوهشی پیرامون تأثیر مبانی مرتبط با واقع‌هایی اخبارهای قرآن بر نقش تربیتی آن، بیانگر ضرورت این پژوهش است.

روش این پژوهش چنین است که پس از مقدماتی مانند توضیح مراد از تربیت و واقع‌هایی، مهم‌ترین مضامین و شیوه‌های تربیتی قرآنی مرتبط با واقع‌هایی را برشمرد، سپس بازتاب تربیتی اتخاذ دیدگاه‌های مرتبط با واقع‌هایی را تبیین می‌کنیم.

پیشینه پژوهش

در مورد ارتباط واقع‌هایی اخبارهای قرآن با نقش تربیتی‌هدایتی آن و تأثیر آن بر این نقش، اثری یافت نشد که موضوع اصلی یا فرعی آن، بررسی مسأله ما یا ابعادی از آن باشد. در فضای سنتی تفسیری و قرآنی، تصریح دانشوران به اصول تفسیری و مبانی خود، مانند مبانی زبان‌شناختی در مورد زبان دین و قرآن مرسوم نبوده، اما پژوهش‌های امروزی در زمینه زبان‌شناسی قرآن، با تعبیر واقع‌هایی یا معرفت‌بخشی، به واقع‌هایی قرآن پرداخته‌اند. مثلاً کتاب تحلیل زبان قرآن و روش‌شناسی فهم آن (۱۳۸۳، محمدباقر سعیدی‌روشن) به آراء مختلف پیرامون زبان قرآن و ویژگی‌های آن، از جمله واقع‌هایی (صص ۳۳۱-۳۵۶) می‌پردازد. کتاب زبان دین و قرآن (۱۳۸۳، ابوالفضل ساجدی)، ابتدا به مباحث زبان دین، و سپس به آراء مختلف در مورد زبان قرآن و ویژگی‌های آن پرداخته، و حکایت زبان قرآن از واقع را تحت عنوان معرفت‌بخشی (صص ۲۸۷-۳۱۶) بررسی می‌کند. کتاب زبان قرآن و مسائل آن (۱۳۸۹، محمدباقر سعیدی‌روشن) به مباحث بیشتری

در مورد زبان قرآن می‌پردازد و شناختاری بودن زبان قرآن و حکایت آن از واقع (صص ۱۰۹-۹۵) را می‌کاود. مقاله «زبان قرآن از منظر علامه طباطبایی» (۱۳۸۱، محمدحسن قدردان قراملکی) نظر مرحوم علامه طباطبایی پیرامون زبان قرآن را بررسی، و از جمله، بیان می‌کند احتمال خطای سهوی یا عمدی موجود در زبان عرفی، در زبان قرآن مطرح نمی‌شود؛ و از این رو با واقع‌نمایی ارتباط می‌یابد. مقاله «معناشناسی زبان قرآن از دیدگاه علامه طباطبایی‌ره در تفسیر البیان فی الموافقه بین الحدیث و القرآن» (۱۳۹۴، نصرت نیل‌ساز و دیگران)، بررسی عرفی بودن زبان قرآن را می‌کاود، و البته زبان عرفی گاهی واقع‌نما نیست. مقاله نتیجه می‌گیرد که زبان قرآن، زبان عرفی است، البته عرفی خاص. مقاله «زبان قرآن با تأکید بر آراء علامه طباطبایی در تفسیر المیزان» (۱۳۹۴، محمد حسین جعفرنژاد) نظر مرحوم علامه طباطبایی پیرامون عرفی بودن زبان قرآن را بررسی، و بیان می‌کند زبان قرآن، زبان عرفی خاص، و فاقد دروغ است، و می‌تواند زبان ترکیبی، زبان هدایت، و زبان فطرت نیز باشد. ویژگی هدایتی زبان قرآن، با واقع‌نمایی مرتبط می‌شود. مقاله «ویژگی‌های زبان قرآن با تأکید بر آراء آیت‌الله خوئی‌ره و آیت‌الله معرفت‌ره» (۱۳۹۵، محمدهادی یدالله‌پور و محمدمهدی محمودی) با بررسی زبان قرآن نتیجه می‌گیرد که قرآن دارای زبانی هدایتی خاص، با مخاطبانی عام است. هدایتی بودن زبان قرآن، با واقع‌نمایی آن مرتبط می‌شود. مقاله «واقع‌نمایی گزاره‌های خبری قرآن کریم: نحوه اثبات، و ادله» (۱۳۹۵، محمدرضا امین و احمد واعظی) با اثبات واقع‌نمایی زبان قرآن، نتیجه می‌گیرد اصل، بر واقع‌نمایی زبان قرآن است. مقاله «زبان قرآن و اوصاف آن از منظر علامه مصباح» (۱۳۹۸، محمدرضا امین) حاوی آراء مرحوم علامه مصباح یزدی پیرامون ویژگی‌های زبان قرآن، مانند واقع‌نمایی آن (ص ۴۲)، است. طبق این مقاله، زبان قرآن واقع‌بنیان و واقع‌نما نیز هست.

در مورد نقش تربیتی قرآن نیز برخی از آثار مرتبط با موضوع مقاله، که دغدغه مضامین و روش‌های تربیتی قرآنی را دارند، از این قرارند: تفسیر اطيّب البیان فی تفسیر القرآن (۱۳۷۸، عبدالحسین طیب) که رویکرد تربیتی دارد. تفسیر فی ضلال القرآن (۱۴۱۲، سیدبن قطب‌بن ابراهیم شاذلی) که دغدغه اجتماعی تربیتی دارد. کتاب تربیت از دیدگاه معصومین^(ع) و قرآن کریم (۱۳۹۲، ابوالقاسم مهری‌نژاد، پریسا اصغری‌نژاد بلوچی) که به دغدغه روابط اخلاقی و تربیت اسلامی در خانواده اهتمام دارد. کتاب تربیت قرآنی و راهکارهای آن (۱۳۸۹، احمدرضا همایون) که ضمن ورود به مسائل و مبانی تربیتی روایی و قرآنی، به مقایسه نظام‌های تربیتی در اسلام و غرب می‌پردازد. مقاله «بررسی تحلیلی برخی از روش‌های تربیتی در قرآن» (۱۳۹۰، عبدالعلی پاک‌زاد) که ۵ روش تربیتی و عام‌تر قرآن را بررسی می‌کند. مقالات چهارگانه «روش‌های تربیتی از منظر قرآن» (۱۴۰۰، خلیل منصوری) که روش‌های متعدد تربیتی قرآن را با تبیین مصداقی استخراج می‌کند. مقالات دوگانه «روش‌های تربیتی در قرآن» (۱۳۸۵، عسکری اسلام‌پور) که برخی از روش‌های تربیتی قرآن را تبیین می‌کند.

تربیت

در قرآن، موضوع تربیت با استفاده از واژگان متعددی قابل پیگیری است، که رایج‌ترین آنها عبارتند از:

- مشتقات «ربب» و «ربو» که در بحث از ریشه واژه «تربیت» مطرح هستند. اولی متضمن معنای رفع کاستی‌ها و هدایت به سوی کمال (نک. مصطفوی، ۱۳۶۰، ج ۴، ص ۱۸) است، و البته در فضای قرآنی، بر استمرار و تدریج (نک. بیضاوی، ۱۴۱۸، ج ۱، ص ۲۸) نیز دلالت دارد. دومی متضمن معنای رشد و ازدیاد (نک. راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ص ۳۴۰) است. در قرآن، اولی عمدتاً ناظر به رشد روحی و معنوی، و دومی حاکی از فزونی جسمی و مادی است (مهدی‌زاده، ۱۳۸۱، ص ۱۰۹).

- مشتقات «هدی»، که مشتمل بر معنای راهنمایی و رساندن به مقصد (نک. راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ص ۸۳۵)، و بیانگر فرایندی کمال‌جویانه، نه حالتی ایستا، می‌باشند، مانند «إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي لِلَّتِي هِيَ أَقْوَمُ» (اسراء/۹). بر این اساس قرآن انسان را، در همه عرصه‌ها به بهترین مقصد و کمال هدایت می‌کند.

- مشتقات «زکو»، در امثال «يُزَكِّكُمْ وَيُعَلِّمُكُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ» (بقره/۱۵۱)، که متضمن معنای رشد و ازدیاد است (نک. فراهیدی، ۱۴۱۰، ج ۵، ص ۳۹۴). پس «تزکیه» یعنی فرآیندی کمال‌جویانه، نه حالتی ایستا؛ و کاربرد آن در مورد انسان متضمن این معناست: «کسانی درصدد برآیند و برای دیگران زمینه‌ای فراهم کنند که آنان با اراده خود به سوی خوبی‌ها و کمال سوق داده شوند» (مصباح یزدی، ۱۳۸۳، ص ۲۵). پس، تزکیه نفس - روح و روان - انسان، از سیر صعودی و نیل به جایگاه و حالتی بهتر از مرتبه پیشین حکایت دارد. ماده «زکو» در قرآن و منابع اسلامی مکرراً در قالب‌های مختلف فعلی در مورد «نفس» انسان آمده، و تزکیه‌کننده در آیات و روایات، گاهی خداوند، از طریق معارف قرآنی: «وَلَكِنَّ اللَّهَ يَزَكِي مَنْ يَشَاءُ» (نور/۲۱)، و گاهی معصومان علیهم‌السلام، از طریق بیان علوم و اخلاق فاضله: «بَعَثَ فِيهِمْ رَسُولًا مِنْ أَنْفُسِهِمْ يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَ يَزَكِيهِمْ» (آل عمران/۱۶۴) هستند (نک. طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱۹، ص ۲۶۵).

نقش تربیتی قرآن

بارزترین نقش قرآن، تربیت انسان به شیوه‌ای خاص و هدایت او به سوی هدفی مشخص است. این نقش را قرآن با دو شرط لازم تربیت، یعنی «مضامین» و «شیوه‌های» تربیتی ایفا می‌کند. زیرا صرف مضمون تربیتی صحیح بدون پیاده‌سازی به کمک شیوه کارآمد، و یا صرفاً بکارگیری شیوه‌های مؤثر تربیتی بدون انتقال مضامین تربیتی، فاقد کارایی است. اکنون نگاهی مختصر به این عناصر تربیتی قرآن داریم:

الف) مضامین تربیتی: نقش مستقیم بخش عمده‌ای از گوهرهای اخباری قرآن روشن است. بخش‌هایی از اخبارهای تربیتی قرآن را می‌توان ذیل چنین عناوینی قرار داد:

- رشد و کمال‌جویی: چنین اخبارهایی، شیوه‌ها و عوامل، و موانع رشد و حرکت کمالی انسان را می‌نمایانند تا با کاربرد آنها به کمال خود نزدیک شود، مانند تأثیر کمال‌بخش انفاق اموال

محبوب در «لَنْ تَنَالُوا الْبِرَّ حَتَّى تُنْفِقُوا مِمَّا تُحِبُّونَ» (آل عمران/۹۲).

- اخلاق و تربیت خانوادگی: در زمینه نحوه برخورد فرزند با والدین، اصل تربیتی بسیار مهم قرآنی (نک. طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱۳، ص ۷۹)، احسان به والدین است: «بِأَوْلَادِ الدِّينِ إِحْسَانًا» (اسراء/۲۳)؛ و یکی از دلایل این اهمیت، انتقال تربیت الهی از طریق والدین به فرزند است (نک. ابن عجبیه، ۱۴۱۹، ج ۳، ص ۱۹۲).

- معاشرت اجتماعی: در زمینه تربیت اجتماعی افراد، بستر تربیتی قرآنی، رابطه مودت و محبت و خیرخواهی بین افراد است که در قرآن با مفاهیمی مانند «وَلِيٌّ» یکدیگر بودن می آید. یعنی رابطه آنها چنان صمیمی و خیرخواهانه است که یکدیگر را به انجام نیکی و ترک پلیدی ترغیب می نمایند: «وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ» (توبه/۷۱).

- تربیت و اخلاق اقتصادی مالی: مانند تربیت قرآنی در زمینه رابطه بین طلبکار و بدهکاری که بخاطر وضعیت مالی نامناسب، قادر به پرداخت بدهی نیست: «وَإِنْ كَانَ ذُو عُسْرَةٍ فَنَظِرَةٌ إِلَىٰ مَيْسَرَةٍ وَأَنْ تَصَدَّقُوا خَيْرٌ لَّكُمْ» (بقره/۲۸۰). این آیه به مخاطب اطلاع می دهد که مطلوب خداوند، امهال، و حتی بخشیدن بدهی است (نک. بیضاوی، ۱۴۱۸، ج ۱، ص ۱۶۳).

- جنگ و رفتار با اسرا: مانند «يُطْعَمُونَ الطَّعَامَ عَلَىٰ حُبِّهِ مِسْكِينًا وَيَتِيمًا وَأَسِيرًا إِمَّا نُنْطَعِمُكُمْ لَوْجِهَ اللَّهِ» (انسان/۹۵) که خبر می دهد اطعام اسیر، هم موجب تربیت و تزکیه طعام دهند است و هم بخاطر محبت به اسیر و دستگیری از وی، بخاطر جلب توجه اسیر به عطوفت و رأفت اسلامی، او را نیز تربیت، و به اسلام دعوت می کند.

- پدیده های طبیعی: گاهی قرآن با بیان عظمت و اسرار نهفته در پدیده های طبیعی، آنها را نشانه ای برای عقلا می داند (نک. موسوی سبزواری، ۱۴۰۹، ج ۷، ص ۱۶۷) تا به وسیله این نشانه ها حقیقت را بیابند: «إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ آيَاتٍ لِّأُولِي الْأَلْبَابِ» (آل عمران/۱۹۰).

- نحوه خلقت و احوالات انسان: برخی از اخبارهای قرآن، بیانگر سرگذشت انسان از حیث خلقت و ویژگی های خلقت او، یا ناظر به خصائص روحی روانی یا شاخص های فطری او هستند. این اخبارها تأثیر تربیتی نیز دارند: «إِنَّا خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ نُطْفَةٍ أَمْشَاجٍ» (انسان/۲)، و مثلاً موجب ایجاد خضوع و خشوع و یا از بین رفتن تکبر و نخوت می شوند (نک. مغنیه، بی تا، ج ۱، ص ۷۸۱).

- معاد و وضعیت انسان پس از مرگ: بخشی از اخبارهای قرآنی بیانگر ماهیت یا نتایج اعمال انسان در دنیا یا آخرت، یا نحوه برخورد با انسان و اعمال او در آخرت هستند، مانند «يَا بُنَيَّ إِنَّهَا إِنْ تَكُ مِثْقَالَ حَبَّةٍ مِنْ حَرْدَلٍ فَتَكُنْ فِي صَعْرَةٍ أَوْ فِي السَّمَاوَاتِ أَوْ فِي الْأَرْضِ يَأْتِ بِهَا اللَّهُ» (لقمان/۱۶). آگاهی از این اخبارها و باور به آنها، بخشی از تربیت روحی معنوی انسان را محقق می سازد (نک. مکارم شیرازی، ۱۴۲۱، ج ۱۳، ص ۴۵).

(ب) روش های تربیتی: قرآن روش های مختلفی دارد، اما در اینجا تنها به موارد دارای ارتباطی روشن تر با موضوع مقاله می پردازیم.

- معرفی الگو: در این روش، فعل یا فردی یا قومی به عنوان سرمشق و الگو به مرتبی معرفی می‌شود تا بتواند با تحصیل امتیازات الگو، به آن شبیه و نزدیک گردد. قرآن مثلاً حضرت ابراهیم^(ع) و مؤمنان به او را الگوهایی برای جامعه اسلامی معرفی می‌کند: «قَدْ كَانَتْ لَكُمْ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ فِي إِبْرَاهِيمَ وَالَّذِينَ مَعَهُ إِذْ قَالُوا لِقَوْمِهِمْ إِنَّا بُرَآءُ مِنْكُمْ وَمِمَّا تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ كَفَرْنَا بِكُمْ وَ... حَتَّىٰ تُوْمِنُوا بِاللَّهِ وَحَدَهُ» (ممتحنه/۴). در این آیه خداوند، مخاطب را نسبت به برخی از امتیازات آن حضرت و یارانش در زمینه توحید و مقابله با کفر مطلع می‌سازد (نک. طبرسی، ۱۳۷۷، ج ۴، ص ۲۷۸).

- تذکر، انذار و تبشیر: در شیوه تذکر، با هدف اصلاح مرتبی، مطالب مهم و دارای قابلیت ایجاد تحول به وی یادآوری می‌شود. نمونه‌ای قرآنی از این شیوه، در سوره حاقه آمده است: «لِنَجْعَلَهَا لَكُمْ تَذْكِرَةً وَتَعِيهَا أَدْنُ وَإِعْيَهُ» (حاقه/۱۲). در اینجا خداوند با هدف تذکر مرتبی و بازگشت او به سوی خدا، او را آگاه می‌سازد که نجات از طوفان، کار خداوند و با هدف متذکر شدن افراد مستعد بوده است (نک. طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱۹، ص ۳۹۴). در شیوه انذار و تبشیر، از طریق اخبار نتایج مطلوب یا نامطلوب عمل مخاطب، وی به آن عمل تشویق، یا از آن عمل نهی می‌شود، چراکه مرتبی بیش از این سیطره‌ای بر او ندارد، و مثلاً قادر بر اجبار وی به فعل خیر یا ترک شر نیست (نک. زمخشری، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۱۸۲). نمونه دیگر قرآنی این روش، آیه شریفه «يَا أَهْلَ الْكِتَابِ قَدْ جَاءَكُمْ رَسُولُنَا يُبَيِّنُ لَكُمْ عَلَىٰ فَتْرَةٍ مِنَ الرَّسُلِ أَنَّ تَقُولُوا مَا جَاءَنَا مِنْ بَشِيرٍ وَلَا نَذِيرٍ» (مائده/۱۹) است که به اهل کتاب یادآوری می‌کند این پیامبر، به‌عنوان مبشر و منذر با هدف اتمام حجت، اموری را به شما اطلاع داده و تبیین می‌کند (نک. نجوانی، ۱۹۹۹، ج ۱، ص ۱۸۹).

- بیان حکمت، و تبیین علت عواقب: در شیوه تربیتی بیان حکمت، با لحاظ مفهوم قرآنی حکمت (نک. ابن کثیر دمشقی، ۱۴۱۹، ج ۱، ص ۳۱۷)، با هدف اثرگذاری بر روی رفتار مرتبی، بینش و علم صحیح، متقن و مطابق با واقع به او منتقل می‌شود. مثلاً در آیه «وَ إِذَا طَلَقْتُمُ النِّسَاءَ فَبَلِّغْنَ أَجَلَهُنَّ فَأَمْسِكُوهُنَّ مَعْرُوفٍ أَوْ سَرْحُوهُنَّ مَعْرُوفٍ وَلَا تُمْسِكُوهُنَّ ضِرَارًا لِنَعْتَدُوا وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ فَقَدْ ظَلَمَ نَفْسَهُ وَلَا تَتَّخِذُوا آيَاتِ اللَّهِ هُزُوعًا وَادْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَ مَا أَنْزَلَ عَلَيْكُمْ مِنَ الْكِتَابِ وَ الْحِكْمَةِ يَعِظُكُمْ بِهِ...» (بقره/۲۳۱) پس از بیان برخی از احکام طلاق، در ذیل آیه تعبیر «حکمت» آمده، که براساس آن حتی این احکام و انشئات نیز برگرفته از واقعیات هستند (نک. مصباح یزدی، ۱۳۹۱، ج ۳، ص ۱۴۴).

شیوه تربیتی تبیین علت عواقب نامطلوب نیز چنین است: «ذَلِكَ بِمَا قَدَّمْتُمْ أَيْدِيكُمْ وَأَنَّ اللَّهَ لَيْسَ بِظَلَّامٍ لِلْعَبِيدِ» (انفال/۵۱). البته اثر تربیتی چنین آیاتی گفتگوی مجرمین با خداوند یا ملائکه عذاب در قیامت را گزارش می‌کنند، نه برای آن مجرمان، بلکه برای افرادی است که هنوز در قید حیات هستند و مرتکب همان اعمال یا مرتکب سایر گناهان می‌شوند. پس تبیین نتایج و عواقب گناهی که مرتکب می‌شوند، زمینه‌ساز تنبیه و ترک معاصی است.

- تمثیل: در شیوه تربیتی تمثیل، یک عمل یا وضعیت به عمل یا وضعیت دیگری که برای مرتبی روشن است، تشبیه می‌شود، تا مرتبی محاسن یا معایب مشبه را از طریق مشاهده آنها در مشبه به درک کرده، به نکته‌ای مهم، تعیین‌کننده، و مخفی پی برده، رفتارش را تغییر کند. نمونه آن تشبیه شخص انفاق‌کننده به دانه پربرکت است: «مَثَلُ الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ كَمَثَلِ

حَبَّهِ أَنْبَتَتْ سَبْعَ سَنَابِلٍ فِي كُلِّ سُنْبُلَةٍ مِائَةٌ حَبِّهِ» (بقره: ۲۶۱/۲). در اینجا گویا خداوند به رابطه ویژه بین عمل انسان با وجود او، که موجب توسعه یا تضییق وجودی اوست، اشاره می‌کند (نک. مکارم شیرازی، ۱۴۲۱، ج ۲، صص ۲۹۱-۲۹۲).

- بیان داستان: در این شیوه تربیتی، از بیان سرگذشت‌های واقعی آموزنده، انتظار می‌رود متربی با توجه کردن به مطالب حق و تأمل در آنها، با وعظ‌پذیری و عبرت‌گیری از آن داستان‌ها متذکر شده و خود را اصلاح نماید (نک. ابن عاشور، بی‌تا، ج ۱، ص ۶۳). قرآن، با گزینش بخش‌های آموزنده برخی از قصص انبیاء و اقوام گذشته، انتظار تأثیرپذیری مخاطب از این داستان‌ها را با تعبیر مختلفی بیان می‌فرماید. گاهی با بیان انتظار تفکر: «وَلَوْ شِئْنَا لَرَفَعْنَاهُ بِهَا وَ لَكِنَّهُ أَخْلَدَ إِلَى الْأَرْضِ وَ اتَّبَعَ هَوَاهُ فَمَثَلُهُ كَمَثَلِ الْكَلْبِ إِنْ تَحْمِلَ عَلَيْهِ يَلْهَثُ أَوْ تَرَكَهُ يَلْهَثُ ذَلِكَ مِثْلُ النُّعْمِ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا فَاقْضِ الْقَصَصَ لَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ» (اعراف/۱۷۶)؛ گاهی با بیان انتظار عبرت‌گیری و هدایت شدن: «لَقَدْ كَانَ فِي قَصصِهِمْ عِبْرَةٌ لِأُولَى الْأَلْبَابِ مَا كَانَ حَدِيثًا يُفْتَرَى وَ لَكِنْ تَصْدِيقَ الَّذِي بَيْنَ يَدَيْهِ وَ تَفْصِيلَ كُلِّ شَيْءٍ وَ هُدًى وَ رَحْمَةً لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ» (یوسف/۱۱۱)؛ و گاهی با بیان انتظار درک حق، وعظ‌پذیری و متذکر شدن: «وَ كَلَّا نَقُصُّ عَلَيْكَ مِنْ أَنْبَاءِ الرُّسُلِ مَا نُنَبِّئُ بِهِ فُؤَادَكَ وَ جَاءَكَ فِي هَذِهِ الْحَقُّ وَ مَوْعِظَةٌ وَ ذِكْرٌ لِلْمُؤْمِنِينَ» (هود/۱۲۰)

- نصیحت و توصیه به خیر و حق: در شیوه تربیتی نصیحت، مربی مطالب متقن و صحیحی، مانند رسالت الهی، را برای متربی بیان می‌کند تا حقایق را بشناسد، و سپس تأکید می‌کند که خیرخواه اوست: «أُبَلِّغُكُمْ رِسَالَاتِ رَبِّي وَ أَنَا لَكُمْ نَاصِحٌ أَمِينٌ» (اعراف/۶۸، ۶۲، ۷۹، ۹۳). در این آیات، نوح، هود، صالح و شعیب^(۴) پس از آگاه ساختن قوم‌شان از معارف الهی، خیرخواهی خود را یادآوری می‌کنند. در قرآن این شیوه در مورد غیرانبیاء نیز مشاهده می‌شود: «وَ جَاءَ رَجُلٌ مِنْ أَقْصَى الْأَرْضِ يَسْعَى قَالَ يَا مُوسَى إِنَّ الْمَلَأَ يَأْتَمِرُونَ بِكَ لِيَقْتُلُوكَ فَاخْرُجْ إِنِّي لَكَ مِنَ النَّاصِحِينَ» (قصص/۲۰). در اینجا، مؤمن آل فرعون، پس از بیان واقعیت قصد سوء فرعونیان نسبت به حضرت موسی^(۵)، بر خیرخواهی خود تأکید می‌کند. در این شیوه انتظار می‌رود که متربی به واسطه حسن سابقه و دلائل دال بر صدق مربی، با اعتماد به او و با التزام به مطالب حق، تربیت و هدایت شود.

شیوه تربیتی توصیه به خیر و حق، نیز چنین است: «وَ أَنْ هَذَا صِرَاطِي مُسْتَقِيمًا فَاتَّبِعُوهُ وَ لَا تَتَّبِعُوا السُّبُلَ فَتَفَرَّقَ بِكُمْ عَنْ سَبِيلِهِ ذَلِكُمْ وَ صَاكُم بِهِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ» (انعام/۱۵۳). در این آیه شریفه، پس از معرفی حق (هذا صراطی مستقیماً) و توصیه به تبعیت از آن و قدم گذاردن در صراط مستقیم، انتظار می‌رود که وی با پذیرش تربیت الهی، متقی گردد (نک. ثعالبی، ۱۴۱۸، ج ۲، صص ۵۳۰).

- موعظه: در این شیوه، با یادآوری عواقب یا نتایج عمل، روح و روان متربی تحت تأثیر قرار گرفته (نک. فراهیدی، ۱۴۱۰، ج ۲، ص ۲۲۸) و به اعمال شایسته و ترک اعمال ناشایست دعوت می‌شود (نک. بلخی، ۱۴۲۳، ج ۱، ص ۱۱۳). مثلاً خداوند در مورد ربا و عواقب آن، می‌فرماید: «الَّذِينَ يَأْكُلُونَ الرِّبَا لَا يَقُومُونَ إِلَّا كَمَا يَقُومُ الَّذِي يَتَخَبَّطُهُ الشَّيْطَانُ مِنَ الْمَسِّ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَالُوا إِنَّمَا الْبَيْعُ مِثْلُ الرِّبَا وَ أَحَلَّ اللَّهُ الْبَيْعَ وَ حَرَّمَ الرِّبَا فَمَنْ جَاءَهُ مَوْعِظَةٌ مِنْ رَبِّهِ فَانْتَهَى فَلَهُ مَا سَلَفَ وَ أَمْرُهُ إِلَى

اللَّهِ وَ مَنْ عَادَ فَأُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ» (بقره/۲۷۵). در اینجا، پس از بیان حرمت ربا برای مخاطب، عاقبت سوء کسانی که مجدداً مرتکب ربا شوند، گوشزد می‌شود؛ و موعظه در قالب وعده بخشش برای ترک‌کنندگان ربا و وعید عذاب برای اصرارکنندگان بر آن، انجام شده است (نک. آل‌سعدی، ۱۴۰۸، ج ۱، ص ۱۲۷).

واقع‌نمایی

مراد ما از واقع‌نمایی، «بیان واقعیت، به همراه قصد بیان واقعیت» است (نک. امین و واعظی، ۱۳۹۵، ص ۴۴). مبنای زبان‌شناختی ناظر به واقع‌نمایی اخبارهای قرآن، دو بخش هستند: کل‌نگرانه، یعنی قائل به واقع‌نمایی یا واقع‌نمایی همه اخبارهای قرآن؛ و جزء‌نگرانه، یعنی قائل به واقع‌نمایی بخشی از اخبارهای قرآن. دیدگاه‌های گروه دوم عبارتند از: واقع‌نمایی اخبارهای حاکی از عناصر باطل فرهنگی عصر نزول؛ واقع‌نمایی اخبارهای بیانگر امور غیبی و غیرجسمانی؛ و واقع‌نمایی اخبارهای ناظر به قصص و تاریخ گذشتگان. البته سه مبنای اخیر به‌رغم تفاوت مفهومی، گاهی هم‌پوشانی مصداقی دارند. مثلاً مبنای قائل به واقع‌نمایی اخبار از عناصر باطل فرهنگی عصر نزول، آیات بیانگر وجود جن را واقع‌نما می‌داند، ولی همین آیات ذیل مبنای واقع‌نمایی اخبار از امور غیبی و غیرجسمانی نیز هستند.

۱- واقع‌نمایی اخبار از عناصر باطل فرهنگی عصر نزول

این مبنا تنها اخبارهای حاوی عناصر باطل موجود در فرهنگ و فضای عصر نزول را واقع‌نما می‌داند. اما طبیعتاً پیش‌فرض آن، اشتغال قرآن بر باطل است؛ و می‌تواند از دیدگاهی ناشی شود که وحی قرآنی را تاریخ‌مند و محصول فرهنگی عصر نزول می‌داند.

این مبنا به‌عنوان مثال، شیطان‌زدگی را واقعی نمی‌داند، بلکه آن را تأویل عقلی کرده و فهم خرافه‌زده مخاطب جاهلی را در بیان امثال آن دخیل می‌داند (نک. ابوزید، ۱۳۸۷، صص ۳۶-۲۲)، پس باید «الَّذِينَ يَأْكُلُونَ الرِّبَا لَا يَقُومُونَ إِلَّا كَمَا يَقُومُ الَّذِي يَتَخَبَّطُهُ الشَّيْطَانُ مِنَ الْمَسِّ» (بقره/۲۷۵) را حاکی از تشبیه قیام رباخوار به یکی از موهومات جاهلی بدانند. نمود دیگر این دیدگاه، می‌تواند در اخبارهای حاوی امثال سحر باشد: «يُعَلِّمُونَ النَّاسَ السَّحْرَ» (بقره/۱۰۲). چراکه قائلان به دیدگاه تاریخ‌مندی قرآن، ذکر سحر در قرآن را نیز از باب همراهی قرآن با فهم مخاطبان جاهلی می‌دانند (نک. همان، ص ۲۴).

شاهد قرآنی دیگری که برای این مدعا ذکر شده، موضوع جن است، که گفته‌اند شاید امروزه با اقبال علمی مواجه نباشد:

قرآن فرهنگ زمانه را بازتابه است، نه لزوماً و در همه موارد حقایق ازلی و ابدی را. شواهد روشن‌تری عرضه می‌دارم. در قرآن کریم هم سخن از وجود جن می‌رود و سوره‌ای به نام جن و در شرح ایمان آوردن بعضی از آنها و استماع مجذوبانه آنان از آیات قرآنی هست ... حال آن که بعید است علم یا عالم امروز قایل به وجود جن باشد (خرمشاهی، ۱۳۷۴، صص ۹۵-۹۶).

این مبنا از لحاظ نظری، آن بخش از اخبارها و معارف مذکور در قرآن که امروزه نامتجانس با فرهنگ و جوامع کنونی، و منطبق با فرهنگ و باورهای جامعه عصر نزول است، را نیز پوشش می‌دهد. پس اخبار «ثَلَاثَ عَوْرَاتٍ لَكُمْ» در «لَيْسَتَاذُنُكُمْ الَّذِينَ مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ وَ الَّذِينَ لَمْ يَبْلُغُوا الْحُلُمَ مِنْكُمْ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ مِنْ قَبْلِ صَلَاةِ الْفَجْرِ وَ حِينَ تَصْعُونَ ثِيَابَكُمْ مِنَ الظَّهِيرَةِ وَ مِنْ بَعْدِ صَلَاةِ الْعِشَاءِ ثَلَاثَ عَوْرَاتٍ لَكُمْ» (نور/۵۸) حاکی از واقعیت نیست، زیرا حفظ حریم در اوقات خلوت و استراحت (نک. حائری تهرانی، ۱۳۷۷، ج ۷، ص ۳۷۶) در جوامع سنتی پیشین رایج و لازم بوده، ولی یک واقعیت نیست. اما با لحاظ تغییر فرهنگ و ارزش‌ها و به واسطه گوشی‌های هوشمند و شبکه‌های اجتماعی، حفظ حریم در خلوت و اوقات خاص، بی‌معنا و موهوم است. پس آموزه لزوم کسب اجازه برای ورود به خلوت همسران در این اوقات، فاقد واقعیت است، و امر غیرواقعی، اثر تربیتی ندارد. نمونه دیگر تأثیر این مبنا بر معارف تربیتی قرآن، امثال آیه شریفه «إِنَّمَا جَزَاءُ الَّذِينَ يُحَارِبُونَ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ وَ يَسْعَوْنَ فِي الْأَرْضِ فَسَادًا أَنْ يُقَتَّلُوا أَوْ يُصَلَّبُوا أَوْ تُقَطَّعَ أَيْدِيهِمْ وَ أَرْجُلُهُمْ مِنْ خِلَافٍ أَوْ يُنْفَوْا مِنَ الْأَرْضِ» (مائده/۳۳) است. طبق این آیه ناظر به تربیت اجتماعی به منظور کاهش جرم و جنایت، مجازات واقعی محارب مسلح و مفسد فی الارض، کشتن، دار زدن، تبعید، و یا قطع دست و پا به نحوی خاص است. لازمه واقعی بودن این مجازات، همیشگی بودن آن است، مگر این که مزاحمتی قوی‌تر مطرح باشد. اما مبنای تاریخ‌مندی قرآن، این مجازات‌ها را نیز پوشش می‌دهد. از این رو مثلاً قطع اعضای بدن محارب می‌تواند غیردائم، نامقبول برای بشر امروز (نک. مجتهد شبستری/الف) و حاصل فرهنگ خشن عصر نزول باشد. طبق این مبنا، مضامین تربیتی‌قرآنی دارای پیشینه در عصر نزول، غیرواقعی هستند؛ و در نتیجه متربی نیز به واسطه غیرواقعی دانستن آنها، اعتنایی به این مضامین نکرده و تأثیر نمی‌پذیرد.

براساس این مبنا، برخی از روش‌های تربیتی قرآن مانند انذار، تبشیر، و ارائه الگو، در مواردی که با عناصری از عصر نزول ارتباط دارند که امروزه سنتی و تاریخ‌مند تلقی می‌شوند، نیز بی‌اثر می‌گردند. پس در آیاتی مانند «وَ بَشِّرِ الَّذِينَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أَنَّ لَهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ كُلَّمَا رُزِقُوا مِنْهَا مِنْ ثَمَرَةٍ رَزَقُوا قَالُوا هَذَا الَّذِي رَزَقْنَا مِنْ قَبْلُ وَ أُنزِلُوا بِهِ مُتَشَابِهًا وَ لَهُمْ فِيهَا أَزْوَاجٌ مُطَهَّرَةٌ وَ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ» (بقره/۲۵)، متربی قائل به تاریخ‌مندی پادشاه‌های مذکور در قرآن و مطابقت آنها با طبع اعراب آن زمان (نک. مصباح یزدی، ۱۳۹۰، صص ۱۹۴-۱۹۵)، آن پادشاه‌ها را حقیقی و مطلوب در همه اعصار و امصار ندانسته و برای کسب آنها تلاش نمی‌کند.

۲- واقع‌نامایی اخبار از وعد و وعید

تفصیل بعدی، اخبارهای قرآنی بیانگر وعد و وعید را واقع‌ناما می‌داند. این مبنا چنین مطرح شده که چون غرض شارع از وعد و وعید، تهییج و تحریک است، جمیع علماء اسلام قلباً از ظاهر آیات حاوی وعد و وعیدهای بهشتی و جهنمی عدول می‌کنند (نک. هندی، بی‌تا، ج ۱، ص ۴۸): «مقصود بانی مذهب از بیان این گونه مطالب فقط این بوده که خاطره یک راحت و لذتی به

اعلی درجه در قلب ما پدید آید» (همان، صص ۴۸۴۷).

این مفسر ذیل آیه «لَهُمْ جَنَّاتٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ كُلَّمَا رُزِقُوا مِنْهَا مِنْ ثَمَرٍ رِزْقاً قَالُوا هَذَا الَّذِي رُزِقْنَا مِنْ قَبْلُ وَ أُنُوا بِهِ مُتَشَابِهًا وَ لَهُمْ فِيهَا أَزْوَاجٌ مُطَهَّرَةٌ وَ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ» (بقره/۲۵) صریحاً نمی‌پذیرد که «عین این چیزها در بهشت و دوزخ موجود باشد» (همان، صص ۴۸۴۷). گرچه وی این مبنا را ذیل آیه مشتمل بر یکی از وعده‌های اخروی بیان می‌کند، اما چون وعیدها را نیز در کلام خود آورده، قاعدتاً در مورد آیات بیانگر عذاب و عقاب نیز چنین مبنایی دارد، مانند «نُفْسٌ فِي سِلْسِلَةٍ ذَرْعُهَا سَبْعُونَ ذِرَاعاً فَاسْأَلُوهَا» (حاقه/۳۲). همچنین از توصیف وعد و وعید با تعبیر «بهشتی و جهنمی» روشن می‌شود که دست‌کم در مورد تمامی وعد و وعیدهای پس از مرگ، حتی در برزخ، چنین نظری دارد، زیرا وعد و وعیدهای برزخی نیز مانند نظائر بهشتی و جهنمی خود، نامحسوس، و در ایجاد حالت راحتی و لذت یا الم و ناراحتی قلبی مؤثرند.

پیامدها

این مبنا، هم در مضامین و هم در روش‌های تربیتی قرآن تأثیر دارد. زیرا بخشی از این مضامین و روش‌ها بر وعد و وعیدهای غیبی ناظر به برزخ و قیامت متمرکزند.

این مبنا موجب بی‌رغبتی به پیگیری اخبارهایی می‌شود که نتیجه گام برداشتن در مسیر کمال و خودسازی را اموری اخروی می‌دانند، مانند بهشت که پاداشت اهل تقوی است: «وَ سَارِعُوا إِلَى مَغْفِرَةٍ مِنْ رَبِّكُمْ وَ جَنَّةٍ عَرْضُهَا السَّمَاوَاتُ وَ الْأَرْضُ أُعِدَّتْ لِلْمُتَّقِينَ» (آل عمران/۱۳۳). زیرا غیرواقعی دانستن این وعده‌ها، موجب انگیزه و اثرپذیری در مرتبی نمی‌شود.

همچنین، اثر تربیتی برخی از مضامین ناظر به اخلاق و تربیت در خانواده نیز که به منظور اجتناب از عذاب اخروی، مخاطب را به تربیت و هدایت خانواده امر می‌کنند (فضل‌الله، ۱۴۲۲، ج ۲۲، ص ۳۱۶)، خنثی می‌شود. شاید برخی از این موارد اخباری نباشند، اما لازمه آنها وجود اخروی وعده یا وعیدی است که می‌دهند: «قُوا أَنْفُسَكُمْ وَ أَهْلِيكُمْ نَاراً وَ قُودُهَا النَّاسُ وَ الْجِبَارُ عَلَيْهَا مَلَائِكَةٌ غِلَاظٌ شِدَادٌ» (تحریم/۶).

آن دسته از اخبارهای تربیتی اجتماعی مرتبط با وضعیت افراد صالح یا طالح در عوالم پس از مرگ، مانند «مَا سَأَلْتُمْ فِي سَقَرٍ... وَ كُنَّا نَحُوضُ مَعَ الْخَائِضِينَ» (مدثر/۴۵-۴۲) نیز فاقد تأثیر تربیتی می‌شوند. مثلاً در مورد این آیه بیانگر تأثیر معاشرت با یاوه‌گویان در ابتلا به آتش جهنم، متربی قائل به چنین مبنایی، به واقعی بودن پیامد مذکور در آیه معتقد نمی‌شود؛ پس در اثر این آیه، انگیزه اجتناب از یاوه‌گویان در او ایجاد نمی‌شود.

به همین صورت، تربیت و اخلاق اقتصادی و مالی نیز مختل می‌شود. مثلاً اخبار از گرفتار شدن افراد بخیل به طوق آتشین در عوالم پس از مرگ در آیه: «وَ لَا يَحْسَبَنَّ الَّذِينَ يَبْخُلُونَ بِمَا أَنَاهُمْ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ هُوَ خَيْرًا لَّهُمْ بَلْ هُوَ شَرٌّ لَّهُمْ سَيُطَوَّقُونَ مَا بَخُلُوا بِهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ» (آل عمران/۱۸۰) اثر تربیتی نخواهد داشت.

تأثیر این مبنا بر اخبارهای ناظر به مسائل جنگ و رفتار با اسرا نیز همان‌گونه است: «وَ يُطْعَمُونَ الطَّعَامَ عَلَى حُبِّهِ مِسْكِينًا وَ يَتِيمًا وَ أَسِيرًا... فَوَقَاهُمُ اللَّهُ شَرَّ ذَلِكَ الْيَوْمِ وَ لَقَّاهُمْ نَضْرَةً

و سُرُوراً» (انسان/۱۱۸). مثلاً در این آیه، اخبار از وجود سختی‌هایی در روز قیامت و اخبار محافظت خداوند از اطعام‌کنندگان اسراء در سختی قیامت، اخبار از اموری غیرواقعی تلقی شده و انگیزه‌ای برای متربی ایجاد نمی‌کنند. اخبارهای بیانگر معاد و وضعیت انسان در زندگی پس از مرگ که برای جهت‌دهی به رفتار انسان با لحاظ پیامدهای اخروی آنها آمده‌اند نیز اگر واقعی تلقی نشوند، فاقد ظرفیت تربیتی هستند.

تأثیر سه شیوه تربیتی موعظه، انذار و تبشیر، نیز بر اثر این مبنا خنثی می‌شود. زیرا در این شیوه‌ها نتایج و عواقب اعمال به انسان گوشزد می‌شود؛ اما طبق این مبنا، چون متربی آن نتایج و عواقب را واقعی نمی‌داند، از شنیدن آنها انگیزه‌ای برای اصلاح خود پیدا نمی‌کند.

۳- واقع‌نامایی اخبار از سرگذشت پیشینیان

این دیدگاه را نویسندۀ ای مشتاق به ابعاد هنری قصص قرآن مطرح کرده است. وی برای اختلاف تعبیرات مربوط به مار در سرگذشت حضرت موسی^(ع)، وجوهی آورده، و آنها را صرفاً ادبی دانسته، و تاریخی بودن محتوای شان را صریحاً نفی می‌کند (نک. خلف‌الله، ۱۹۹۹، ص ۱۷۲). طبق این مبنا، محتوای قصص قرآن واقع‌ناماست و مثلاً از بیان سرگذشت قوم عاد، نتیجه می‌شود که واقعاً چنین قومی با چنان مشخصات قرآنی در فلان منطقه می‌زیسته‌اند. به‌رغم تمرکز وی بر داستان حضرت موسی^(ع)؛ با لحاظ کلی بودن مطالبش و انطباق آنها بر سایر قصص قرآن، قاعدتاً همه قصص قرآن را چنین می‌داند.

برخی نیز با این پیش‌فرض ناروایی مداخله انبیاء در امور غیرمرتب با تهذیب نفس و مسائل سیاسی، واقع‌نمایی فرازهای تاریخی قرآن را نفی کرده‌اند:

از اصول انبیاء این است که در اموری که به تهذیب نفس و سیاست قوم‌شان ارتباط ندارد دخالت نکنند (مانند کائنات، ... و نیز قصه‌های انبیاء و سلاطین و شهرهای پیشین و غیر آن)، مگر کلماتی چند که گوش‌ها با آنها مأنوس شده و عقول مردم آن سخنان را پذیرفته‌اند و اینها را نیز انبیاء به اجمال و بر سبیل استطراد و برای تذکر دادن به خدا و ایام الهی می‌گویند و طبعاً در آن از استعارات و مجازات، استفاده می‌کنند و در سخن گفتن تسامح به خرج می‌دهند (محدث دهلوی، ۱۳۵۵، ص ۸۶).

دیگرانی هم چون طرح مسائل تاریخی در قرآن را، نه برای تبیین واقعیات بلکه، برای بیان تذکر معنوی و اخلاقی می‌دانند، این اخبارها را واقع‌نمایی می‌دانند: «اگر در قرآن قصه‌هایی آمده، باز برای تذکر معنوی و اخلاقی اعمال و اصلاحات اجتماعی بوده است، نه این که در جهت تبیین واقعیت رخ داده‌ها و جزئیات حوادث و دوران‌های تاریخی باشد. ... آیات درصدد ارائه اطلاعات کارشناسانه تاریخی نبوده‌اند» (فراستخواه، ۱۳۷۶، ص ۱۳۹).

پیامدها

این مبنا از میان مضامین تربیتی قرآن، اخبارهای بیانگر سرگذشت پیشینیان را فاقد اثر تربیتی می‌کند. زیرا سرگذشت‌ها به افسانه و تخیل تبدیل شده، و در نتیجه، انگیزه‌ای در وی ایجاد نمی‌کنند. از این‌رو اثر تربیتی عبرت‌گیری را در متربی ایجاد نمی‌کنند، درحالی‌که قرآن با هدف

عبرت‌گیری مخاطب، بر کارکرد عبرت‌دهی قصه تأکید دارد: «لَقَدْ كَانَ فِي قَصَصِهِمْ عِبْرَةً لِأُولِي الْأَلْبَابِ» (یوسف/۱۱۱) و «إِنَّ فِي ذَلِكَ لَعِبْرَةً لِمَنْ يَخْشَى» (نازعات/۲۶).

در شیوه‌های تربیتی تذکر، انذار، تمثیل، بیان داستان، و موعظه گاهی از سرگذشت پیشینیان استفاده می‌شود تا متربی با توجه به واقعیاتی که برای دیگران رخ داده یا بعداً رخ می‌دهد، خود را اصلاح نماید. مثلاً با یادآوری سرگذشت یهودیان بنی‌قینقاع به یهودیان بنی‌النضیر (نک. طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱۹، ص ۲۱۳) از طایفه دوم انتظار می‌رود با لحاظ شباهت‌شان با طایفه اول از حیث نقض عهد و با توجه به عاقبت کار بنی‌قینقاع، تنبّه و تحول داشته باشند: «كَمَثَلِ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ قَرِيباً ذَاتُوا وَبَالَ أَمْرِهِمْ وَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ» (حشر/۱۵). اما نتیجه پایبندی به چنین مبنایی چنین می‌شود که آن سرگذشت‌ها حقیقی تلقی نشوند. پس متربی احتمال نمی‌دهد که عواقب و پیامدهای مشابهی در انتظارش باشد، و از این‌رو تأثیر تربیتی نمی‌پذیرد.

۴- واقع‌نامایی تمام اخبارهای قرآن

برخی، واقع‌نامایی را از همه اخبارهای قرآن سلب می‌کنند (نک. امین و واعظی، ۱۳۹۵، صص ۷۲-۵۱). این سلب کلی، اخبارهای مرتبط با علوم تجربی و انسانی را شامل می‌شود. در نتیجه، اخبارهای قرآنی در زمینه‌های اخلاق، عبادات، معاد، انسان‌شناسی، و ... همگی واقع‌ناما می‌شوند، و هیچ واقعیاتی از آنها استخراج نمی‌شود:

«آیات قرآن گزاره‌هایی فلسفی به منظور اخبار از واقعیت یا اخبار از غیب نیستند. ... این طور نیست که محتوای تجربه، معرفتی باشد که به پیامبر داده می‌شود و گفته می‌شود این معرفت را ابلاغ کن. این نیست. معرفت داده نمی‌شود. «دید» داده می‌شود، «بینش» داده می‌شود، و نه گزاره‌های یحتمل الصدق و الکذب» (مجتهد شبستری/ب).

طبق تصریح این دیدگاه، غرض از اخبارهای قرآن، بیان واقعیتهای عالم غیب یا شهود نیست؛ یعنی خداوند اخبارهای قابل صدق و کذب به پیامبر نمی‌دهد. پس آنچه او به‌عنوان قرآن برای مردم تلاوت می‌فرمود، حاوی اخبارهای قابل صدق و کذب و بیانگر واقعیت نبود.

پیامدها

طبق این مبنای واجد بیشترین تأثیر بر کارکرد تربیتی قرآن، در زمینه مضامین تربیتی نیز نمی‌توان قرآن را بیانگر واقعیت دانست. زیرا مثلاً از «رَبُّكُمْ أَعْلَمُ بِمَا فِي نُفُوسِكُمْ» (اسراء/۲۵) (نک. طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱۳، ص ۸۱) اشراف خداوند به روح و روان انسان و آنچه که در آن می‌گذرد استنباط نمی‌شود و مبنای اعتماد به اخبارهای قرآن، از جمله در زمینه تربیت قرار نمی‌گیرد. چون ذیل سه مبنای قبلی، مواردی از تأثیر تربیتی واقع‌ناما ندانستن مضامین و روش‌های تربیتی قرآن گذشت، اکنون به برخی از موارد اشاره می‌کنیم.

- ویژگی‌های ساختار وجود انسان: مثلاً ظاهر «الَّذِينَ آمَنُوا وَ تَطْمَئِنُّ قُلُوبُهُمْ بِذِكْرِ اللَّهِ أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ» (رعد/۲۸) بیانگر یکی از ویژگی‌های روحی‌روانی انسان است: قلب انسان منحصرماً با ذکر خداوند آرامش می‌یابد. انحصار سبب آرامش قلب انسان در یاد خداوند، نتیجه تقدّم جار و مجرور

بر فعل در عبارت «أَلَا يَذْكُرُ اللَّهُ تَطْمِئِنُّ الْقُلُوبُ» است (نک. فضل‌الله، ۱۴۱۹، ج ۱۳، ص ۵۳). اما نفی واقع‌نمایی، باعث عدم شناخت قرآنی از یگانه عامل آرامش انسان می‌گردد. نیز براساس ظاهر «وَأَمَّا إِذَا مَا ابْتُلَاهُ فَقَدَرَ عَلَيْهِ رِزْقَهُ فَيَقُولُ رَبِّي أَهَانَنِ» (فجر/۱۶)، در زمینه تربیت انسان باید توجه داشت که از منظر انسان‌شناختی، ساختار روحی‌روانی انسان به گونه‌ای است که اولاً هم‌وغم او، دنیا و لذات آن است (نک. آلوسی، ۱۴۱۵، ج ۱۵، ص ۳۴۱)، و ثانیاً می‌پندارد خداوند نیز توجه ویژه‌ای به ثروت و ثروتمند دارد. پس انسان، فقر را نشانه بی‌توجهی خدا و عزیز نبودن نزد خداوند می‌داند، و نیز هنگام تنگی رزق، به خداوند بدبین می‌شود؛ اما هنگام برخورداری از نعمت‌ها طغیان می‌کند (نک. طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۲۰، صص ۲۸۲-۲۸۳). در نتیجه، در برخورد‌های تربیتی با فقرا و غیرفقرا، باید به این ارتباط بین «میزان رزق» و «اعتقادات شخص نسبت به خداوند» توجه داشت. مثلاً می‌توان با تبیین نقش تقوی در تقرب انسان به خدا: «إِن أٰكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ اتَّقَاكُمْ» (حجرات/۱۳)، ملاک توجه یا بی‌توجهی خداوند به انسان را برای مرتب‌ی روشن کرد. این برداشت‌ها همگی نتیجه نگاه واقع‌نمایانه به اخبارهای قرآن هستند، اما با نفی واقع‌نمایی، هیچ یک از این نکات تربیتی برداشت نمی‌شود. نمونه دیگر، ظاهر «إِنَّ الْإِنْسَانَ خُلِقَ هَلُوعًا» (معارج/۱۹) است که از آن، پیوند بین «ویژگی حرص و عجله انسان نسبت به خیر و شر» و «ایمان» استنباط می‌شود (نک. سید بن قطب، ۱۴۱۲، ج ۶، ص ۳۶۹۹). پس مرتب‌ی باید بداند که ایمان، صرفاً با تلفظ شهادتین، در جان انسان رسوخ نمی‌کند، بلکه نفوذ آن در عمق روح، مستلزم مراعات مقتضیات حالات روحی مرتبط با ایمان، نیز می‌باشد. پس اگر ایمان به‌درستی برای مرتب‌ی تصویر نشود، و آن را امری مشکل‌ساز و شرّ پندارد، از ایمان متنفر می‌شود؛ و البته اگر ایمان برای او به‌منزله امری سودمند و یک خیر ضروری ترسیم شد، به سوی ایمان جذب می‌شود. در نتیجه، نحوه تبیین ایمان به خداوند برای مرتب‌ی، بسیار تعیین‌کننده است. البته نفی واقع‌نمایی، مانع چنین نتیجه‌ای است.

- عوامل مؤثر بر حالات روحی‌روانی انسان: مانند وسوسه‌های شیطان در «مِنْ شَرِّ الْوَسْوَاسِ الْخَنَّاسِ * الَّذِي يُوَسْوِسُ فِي صُدُورِ النَّاسِ» (ناس/۵۴). طبق این آیه، شیطان بدون سلطه بر انسان (نک. فضل‌الله، ۱۴۱۹، ج ۲۴، ص ۵۰۳) وسواس خود را به قلب، یعنی به مرکز عزم و تصمیم‌گیری، القاء می‌کند (نک. مترجمان، ۱۳۷۷، ج ۱۸، ص ۴۳۰). پس در حوزه تربیت، باید مراقب واردات قلبی و گزینش و پالایش آنها بود. نمونه دیگر، «ذِكْرِ اللَّهِ» (رعد/۲۸) است که تأثیر قرآنی آن بر آرامش انسان گذشت. شناخت قرآنی نسبت به چنین عواملی با مبنای واقع‌نمایی اخبارهای قرآن حاصل نمی‌شود.

- ارتباط حالات روحی‌روانی با زندگی مادی: نمونه آن ظاهر آیه شریفه «وَمَنْ أَعْرَضَ عَنْ ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكًا» (طه/۱۲۴) است. طبق این آیه، «روی‌گردانی از اوامر الهی» موجب «محدود شدن ظرفیت روحی انسان به تفکر در مورد معاش» می‌شود (نک. نخجوانی، ۱۹۹۹، ج ۱، ص ۵۲۴). نمونه دیگر، ظاهر آیه شریفه «وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ» (اعراف/۹۶) است که بیانگر ارتباط ایمان با رونق زندگی در اثر باران و رستنی‌هاست (نک. سوراآبادی، ۱۳۸۰، ج ۲، ص ۷۸۱). خروجی تربیتی چنین آیاتی، از جمله می‌تواند لزوم تربیت دینی مرتب‌ی به گونه‌ای باشد که نپندارد دین، مستلزم ترک دنیاست. بلکه برعکس، باید برای وی تبیین شود که اجتناب از ذکر

خداوند است که موجب سختی امر معاش می‌شود، و در مقابل، ایمان و تقوا سبب وفور برکات زمینی و آسمانی‌ست. این نتایج با واقع‌نامی‌ایِ اخبارهای قرآن حاصل نمی‌شود.

- مرجعیت و استواری مضامین تربیتی قرآن: غیرواقعی دانستن مضامین تربیتی قرآن، همچنین به تناقض آنها با واقعیت‌های ملموس می‌انجامد. مثلاً ذیل «وَإِنَّهُ لِحُبِّ الْخَيْرِ لَشَدِيدٌ» (عادیات/۸) مراد از «خیر» مختلف بیان شده: مال و اموال (نک. فخر رازی، ۱۴۲۰، ج ۳۲، ص ۲۶۲)، و مطلق مطلوب‌های دنیوی (نک. فضل‌الله، ۱۴۱۹، ص ۲۴، ص ۳۷۹). اما در این آیه، نفی واقع‌نماییِ اخبار، به محبوب نبودن اموال و جلوه‌های دنیا برای انسان می‌انجامد؛ درحالی‌که در عالم واقع شاهدیم که طبع انسان، طالب مال و دیگر مواهب دنیوی مانند مقام، قدرت و ... است. مشاهده چنین تناقض‌هایی بین مضمون اخبارهای قرآن و واقعیات خارجی، مانع اثرگذاری تربیتی آیه و انگیزش‌متربی است. حتی در موارد عدم تناقض، واقعی دانستن مضامین تربیتی باعث بی‌اعتنایی‌متربی به آنها و در نتیجه، عدم تأثیرپذیری از آنهاست.

در مورد روش‌های تربیتی، با لحاظ تبیین ارتباط آنها با مبنای عدم واقع‌نمایی در ضمن مطالب پیشین، تنها به ذکر چند نمونه بسنده می‌کنیم:

- ارائه الگو: براساس نفی واقع‌نماییِ اخبارهای قرآن، اخبار قرآن از الگو بودن پیامبر اکرم (ص) در «لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ» (احزاب/۲۱) غیرواقعی است، و در نتیجه، ایشان واقعاً الگو نخواهند بود، پس متربی با این الگو هم‌ذات‌پنداری نکرده، آن را دست‌یافتنی نمی‌بینید و برای شبیه شدن به آن نمی‌کوشد.

- براساس واقع‌نما نبودن اخبارهای قرآن، در شیوه تربیتی تذکر، انذار و تبشیر، نکاتی که قرآن متذکر می‌شود یا نسبت به آنها انذار و تبشیر می‌کند، وهمی می‌شوند؛ پس متربی با اموری مواجه می‌شود که یادآوری یا ترساندن یا امید دادن نسبت به آنها، انگیزش تربیتی و قصد اصلاح ایجاد نمی‌کند.

در خصوص شیوه‌های تربیتی بیان حکمت، و تبیین علت و عواقب نامطلوب نیز اگر متربی قائل باشد اموری که به نام حکمت به وی ارائه می‌شود و آنچه که به‌منزله علت حوادث ناخوشایند آتی به او گوشزد می‌گردد، حقیقت و واقعیتی ندارند، علاوه بر بدبین شدن به مربی و محتوای تربیتی، آن حکمت و آن علت را در رفتار و زندگی واقعی خود تأثیر نمی‌دهد و تغییری در وی ایجاد نمی‌شود.

در شیوه‌های تربیتی تمثیل و بیان داستان، تمثیلی مؤثر است که شباهت مدعایی آن بین مشبّه و مشبّه‌به واقعی باشد، تا متربی با مشاهده آن شباهت بپذیرد که عاقبت رفتار و وضعیت وی نیز همانند آن چیزی خواهد بود که برایش تمثیل شده است. شیوه بیان داستان نیز چنین است، وگرنه، متربی چرا باید از داستانی که اساس آن بر واقعیت نیست انگیزش یافته، آن را با زندگی و رفتار واقعی خود مقایسه کرده و براساس نکات و نتایج غیرحقیقی داستان، خود را اصلاح کند؟

در شیوه تربیتی نصیحت و توصیه به خیر و حق، فرض این است که برای متربی خیرخواهی شده و وی به امور شایسته و راستین سفارش شود. اما چنین خیرخواهی و توصیه‌ای هنگامی محقق

می‌شود که آنچه در این قالب‌ها به وی گوشزد می‌گردد، واقعاً موجود باشند. پس اگر متربی واقعی بودن نکات مطرح‌شده برای وی در این شیوه‌ها را نپذیرد، آیا آنها را حق و خیر دانسته و طبق آنها خود را اصلاح می‌کند؟

نتیجه

از حیث زبان‌شناختی، در ردّ واقع‌نماییِ اخبارهای قرآن دیدگاه‌های مختلفی وجود دارد که برخی منکر واقع‌نمایی همه اخبارهای قرآن و برخی منکر بخش‌هایی از اخبارهای آن هستند. از دیگر سو، مهم‌ترین نقش قرآن، یعنی نقش تربیتی‌هدایتی از طریق دو رکن مضامین و شیوه‌های تربیتی ایفا می‌شود، که می‌توان آنها را چنین خلاصه کرد: مضامین ناظر به کمال‌جویی، اخلاق اجتماعی، اخلاق اقتصادی، اخلاق جنگ، روابط خانوادگی، معاد و اخلاق فردی؛ و شیوه‌های الگودهی، تذکر، انذار، تبشیر، بیان حکمت و علت عواقب نامطلوب، تمثیل، داستان‌گویی، نصیحت، و موعظه. بررسی لغوی و قرآنی مهم‌ترین واژگان قرآنی مرتبط با تربیت و هدایت نشان می‌دهد که این دو هدف اصلی قرآن که مستلزم پویایی هستند، و نیز خصائص آنها که عبارتند از رفع کاستی‌ها، هدایت به کمال، زیاد شدن، و استفاده از علوم و اخلاق فاضله، در صورت عاری بودن مضامین و روش‌های تربیتی قرآن از واقعیت، محقق نمی‌شوند. از این رو بررسی تأثیر تک‌تک دیدگاه‌های قائل به واقع‌نمایی تمام اخبارها، اخبارهای حاوی عناصر فرهنگی باطل عصر نزول، اخبارهای بیانگر وعد و وعید، اخبارهای حاوی سرگذشت پیشینیان، نشان داد که همگی این دیدگاه‌ها از حیث تربیتی نقشی تخریبی دارند. زیرا غیرواقعی نشان دادن مضامین خبرهای قرآنی، موجب می‌شود که متربی نیز آنها را واقعی، مؤثر، و هم‌سنخ با زندگی خود تلقی نکرده، به واسطه آنها دارای انگیزه نشده، و در نتیجه آنها را در زندگی خود دخالت ندهد. این موضوع باعث می‌شود شیوه‌های تربیتی‌هدایتی قرآن نیز که از این مضامین بهره می‌گیرند، کارکرد تربیتی‌هدایتی خود را از دست بدهند.

منابع

- ابن کثیر دمشقی، اسماعیل بن عمرو، تفسیر القرآن العظیم (ابن کثیر)، تحقیق محمدحسین شمس‌الدین، چ ۱، بیروت، دارالکتب العلمیه، منشورات محمدعلی بیضون، ۱۴۱۹.
- ابن عاشور، محمدبن طاهر، التحریر و التنویر، بی‌چا، بی‌جا، بی‌نا، بی‌تا.
- ابن عجبیه، احمدبن محمد، البحر المذید فی تفسیر القرآن المجید، تحقیق احمد عبدالله قرشی رسلان، بی‌چا، قاهره، حسن عباس زکی، ۱۴۱۹.
- ابوزید، نصر حامد، «کشف فحوای نصّ در مسیر تاریخ (گفت‌وگویی انتقادی محمدرضا وصفی با نصر حامد ابوزید)»، کتاب ماه دین، شماره ۱۳۶، (بهمن ۱۳۸۷)، صص ۲۲-۳۶.
- اسلام‌پور/الف، عسکری، «روش‌های تربیتی در قرآن»، ماهنامه پاسدار اسلام، سال بیست و پنجم، شماره ۲۹۷، ۱۳۸۵، صص ۳۸-۴۲.
- اسلام‌پور/ب، عسکری، «روش‌های تربیتی در قرآن (آخرین قسمت)»، ماهنامه پاسدار اسلام، سال بیست و پنجم، شماره ۲۹۸، ۱۳۸۵، صص ۳۸-۴۴.
- امین، محمدرضا، «زبان قرآن و اوصاف آن از منظر علامه مصباح»، معرفت، سال ۲۸، شماره ۲، پیاپی ۲۵۷، اردیبهشت ۱۳۹۸، صص ۳۳-۵۰.
- امین، محمدرضا، و واعظی، احمد، «واقع‌نمایی گزاره‌های خبری قرآن کریم: نحوه اثبات و ادله»، قرآن‌شناخت، سال نهم، شماره دوم، پیاپی ۱۷، پاییز و زمستان ۱۳۹۵، صص ۴۳-۶۶.
- آل‌سعدی، عبدالرحمن بن ناصر، تیسیر الکریم الرحمن، چ ۲، بیروت، مکتبه النهضه العربیه، ۱۴۰۸.
- آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم، تحقیق علی عبدالباری عطیه، چ ۱، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۵.
- بابایی، علی‌اکبر، عزیزی‌کیا، غلام‌علی، روحانی‌راد، مجتبی، روش‌شناسی تفسیر قرآن، زیر نظر محمود رجبی، چ ۱، قم، پژوهشکده حوزه و دانشگاه، تهران، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، ۱۳۷۹.
- بلخی، مقاتل‌بن سلیمان، تفسیر مقاتل‌بن سلیمان، تحقیق عبدالله محمود شحاته، چ ۱، بیروت، دار احیاء التراث، ۱۴۲۳.
- بیضاوی، عبدالله بن عمر، أنوار التنزیل و أسرار التأویل، تحقیق محمد عبدالرحمن المرعشلی، چ ۱، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۱۸.
- پاک‌زاد، عبدالعلی، «بررسی تحلیلی برخی از روش‌های تربیتی در قرآن»، معرفت، سال ۲۰، شماره ۱۶۰، فروردین ۱۳۹۰، صص ۱۳-۳۲.
- ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، تحقیق شیخ محمدعلی معوض و شیخ عادل احمد عبدالموجود، چ ۱، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۱۸.
- جعفرنژاد، محمدحسین، «زبان قرآن با تأکید بر آراء علامه طباطبایی در تفسیر المیزان»، فصل‌نامه علمی تخصصی فرهنگ پژوهش، شماره ۲۰ و ۲۱، زمستان ۱۳۹۳ و بهار ۱۳۹۴، ویژه فلسفه و کلام، صص ۹۵-۱۲۴.

- حائری تهرانی، میرسید علی، مقتنیات الدرر و ملتقطات الثمر، بی‌چا، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۷.
- خرمشاهی، بهاء‌الدین، «بازتاب فرهنگ زمانه در قرآن کریم (نظریه‌ای موقت)»، بینات، سال دوم، ش ۱، (بهار ۱۳۷۴)، صص ۹۷-۹۰.
- خلف‌الله، محمداحمد، الفن القصصی فی القرآن الکریم، تصحیح عبدالکریم خلیل، چ ۴، لندن، سینا للنشر، موسسه الانتشار العربی، ۱۹۹۹.
- راغب اصفهانی، حسین‌بن محمد، المفردات فی غریب القرآن، تحقیق صفوان عدنان داودی، چ ۱، دمشق، الدارالشامیه، بیروت، دارالعلم، ۱۴۱۲.
- زمخشری، محمود، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل، چ ۳، بیروت، دارالکتب العربی، ۱۴۰۷.
- سعیدی روشن، محمدباقر، تحلیل زبان قرآن و روش‌شناسی فهم آن، چ ۱، قم، مؤسسه پژوهشی حوزه و دانشگاه، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، سازمان انتشارات، ۱۳۸۳.
- سعیدی روشن، محمدباقر، زبان قرآن و مسائل آن، چ ۱، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، تهران، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، مرکز تحقیق و توسعه علوم انسانی، ۱۳۸۹.
- سوورآبادی، ابوبکر عتیق‌بن محمد، تفسیر سوورآبادی، تحقیق علی‌اکبر سعیدی سیرجانی، چ ۱، تهران، فرهنگ نشر نو، ۱۳۸۰.
- سیدبن قطب، ابن ابراهیم شاذلی، فی ظلال القرآن، چ ۱۷، بیروت-قاهره، دارالشروق، ۱۴۱۲.
- طباطبایی، محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، چ ۵، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۷.
- طبرسی، فضل‌بن حسن، تفسیر جوامع الجامع، چ ۱، تهران، انتشارات دانشگاه تهران و مدیریت حوزه علمیه قم، ۱۳۷۷.
- فخر رازی، ابو عبدالله محمدبن عمر، مفاتیح الغیب، چ ۳، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۰.
- فراستخواه، مقصود، «قرآن، آراء و انتظارات گوناگون»، مجله دانشگاه انقلاب، ش ۱۱۰، تابستان و پاییز ۱۳۷۶، صص ۱۲۷-۱۴۲.
- فراهیدی، خلیل‌بن احمد، کتاب العین، چ ۲، قم، انتشارات هجرت، ۱۴۱۰.
- فضل‌الله، سید محمدحسین، تفسیر من وحی القرآن، چ ۲، بیروت، دارالملاک للطباعه و النشر، ۱۴۱۹.
- قدردان قراملکی، محمدحسن، «زبان قرآن از منظر علامه طباطبایی»، قبسات، دوره ۷، شماره ۲۵، زمستان ۱۳۸۱، صص ۷۸-۶۵.
- مترجمان، تفسیر هدایت، چ ۱، مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۳۷۷.
- مجتهد شبستری/الف، محمد، قرائت نبوی از جهان (۱۰)، بازیابی شده در ۹۲/۴/۳ از:
- <http://neeloofar.org/thinker/mojtahedshabestari/119-article/prophetic-interpretation-of-the-world/472--10> .html قرائت-نبوی-از-جهان
- مجتهد شبستری/ب، محمد، «قرائت نبوی از جهان (۱۵)»، بازیابی شده در تاریخ ۹۲/۷/۵ از:
- <http://neeloofar.org/thinker/mojtahedshabestari/119-article/prophetic-interpretation-of-the-world/517-prophetic-interpretation-of-the-world15.html>

- محدث دهلوی، شاه ولی الله بن عبدالرحیم، حجه الله البالغه، چ ۱، قاهره، دارالتراث، ۱۳۵۵.
- مصباح یزدی، محمدتقی، به سوی او، محقق محمد مهدی نادری قمی، چ ۳، قم، انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۸۳.
- مصباح یزدی، محمدتقی، معارف قرآن (۳) جهان‌شناسی، تصحیح و بازنگاری حمید آریان، چ ۱، قم، انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۹۰.
- مصباح یزدی، محمدتقی، اخلاق در قرآن (ج ۳)، تحقیق و نگارش محمدحسین اسکندری، چ ۵، قم، انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۹۱.
- مصطفوی، حسن، التحقيق فی کلمات القرآن الکریم، بی‌چا، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۶۰.
- مغنیه، محمدجواد، التفسیر المبین، بی‌چا، قم، بنیاد بعثت، بی‌تا.
- مکارم شیرازی، ناصر، الأمثل فی تفسیر کتاب الله المنزل، چ ۱، قم، مدرسه امام علی بن ابی‌طالب، ۱۴۲۱.
- منصوری/الف، خلیل، «روش‌های تربیتی از منظر قرآن (۱)»، بازیابی‌شده در ۱۴۰۰/۷/۷ از:
<http://www.samamos.com/%d8%b1%d988%d8%b4-%d987%d8%a7%db%8c-%d8%aa%d8%b1%d8%a8%db%8c%d8%aa%db%8c-%d8%a7%d8%b2-%d985%d986%d8%b8%d8%b1-%d982%d8%b1%d8%a2%d986/?hilite=%27%D8%B1%D988%D8%B42%27%C%27%D987%D8%A7%DB%8C%272%C%27%D8%AA%D8%B1%D8%A8%DB%8C%D8%AA%DB%8C%272%C%27%D985%D986%D8%B8%D8%B12%27%C%27%D982%D8%B1%D8%A2%D927%86%>
- منصوری/ب، خلیل، «روش‌های تربیتی از منظر قرآن (۲)»، بازیابی‌شده در ۱۴۰۰/۷/۷ از:
<http://www.samamos.com/%d8%b1%d988%d8%b4-%d987%d8%a7%db%8c-%d8%aa%d8%b1%d8%a8%db%8c%d8%aa%db%8c-%d8%a7%d8%b2-%d985%d986%d8%b8%d8%b1-%d982%d8%b1%d8%a2%d92-86/?hilite=%27%D8%B1%D988%D8%B42%27%C%27%D987%D8%A7%DB%8C%272%C%27%D8%AA%D8%B1%D8%A8%DB%8C%D8%AA%DB%8C%272%C%27%D985%D986%D8%B8%D8%B12%27%C%27%D982%D8%B1%D8%A2%D927%86%>
- منصوری/ج، خلیل، «روش‌های تربیتی از منظر قرآن (۳)»، بازیابی‌شده در ۱۴۰۰/۷/۷ از:
<http://www.samamos.com/%B1%AA%DA%A8-%DA%DB%AV%DA%A7%D9-BF%DAA%AA%D9%B1%http://www.samamos.com/%DA%86%D9%A2%DA%B1%DA%A2%AC-%D9%AA%DB%AC%DA%DB%AA%DA>
- منصوری/د، خلیل، «روش‌های تربیتی از منظر قرآن (۴)»، بازیابی‌شده در ۱۴۰۰/۷/۷ از:
<http://www.samamos.com/%d8%b1%d988%d8%b4-%d987%d8%a7%db%8c-%d8%aa%d8%b1%d8%a8%db%8c%d8%aa%db%8c-%d982%d8%b1%d8%a2%d9864/?hilite=%27%D8%B1%D988%D8%B42%27%C%27%D987%D8%A7%DB%8C%272%C%27%D8%AA%D8%B1%D8%A8%DB%8C%D8%AA%DB%8C%272%C%27%D985%D986%D8%B8%D8%B12%27%C%27%D982%D8%B1%D8%A2%D927%86%>

- موسوی سبزواری، سید عبدالاعلی، مواهب الرحمان فی تفسیر القرآن، چ ۲، بیروت، موسسه اهل بیت^(ع)، ۱۴۰۹.
- مهدی‌زاده، حسین، «کاوشی در ریشه قرآنی واژه «تربیت» و پیامد معنایی آن»، معرفت، سال ۱۱، شماره ۸، پیاپی ۵۹، آبان ۱۳۸۱، صص ۱۰۴-۱۱۰.
- نخجوی، نعمت‌الله بن محمود، الفواتح الالهیه و المفاتح الغیبیه، چ ۱، مصر، دار رکابی للنشر، ۱۹۹۹.
- نیلساز نصرت، و حاجی‌خانی، علی، و جلیلیان سعید، «معناشناسی زبان قرآن از دیدگاه علامه طباطبایی‌ره در تفسیر البیان فی الموافقه بین الحدیث و القرآن»، پژوهش‌نامه معارف قرآنی، سال ۶، شماره ۲۱، تابستان ۱۳۹۴، صص ۱۴۳-۱۶۱.
- هندی، سرسید احمدخان، تفسیر القرآن و هو الهدی و الفرقان، ترجمه محمدتقی فخر داعی گیلانی، چ ۱، تهران، شرکت تضامنی محمدحسن علمی و شرکاء، بی‌تا.
- یدالله‌پور، محمدهادی، و محمودی، محمد مهدی، «ویژگی‌های زبان قرآن با تأکید بر آراء آیت‌الله خوئی‌ره و آیت‌الله معرفت‌ره»، دوفصل‌نامه هیات قرآنی (با رویکرد کلامی)، سال چهارم، شماره ۷، پاییز و زمستان ۱۳۹۵، صص ۲۷-۹.

